



شهر بانو

۲۴ خرداد ۱۴۰۰
۳۲ دی‌المنه ۱۴۴۴ شماره ۲۲۰۸

(۲)



حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار

(آفاق)

هدیه‌های مجازی ما را نیازمند عمل قلب باز کرده‌اند!

انسانی چیزی نیست که در قرن ۲۱ بخواهیم از آن فاصله بگیریم یا دیگران را از آن منع کنیم اما حقیقت این است که چرا موضوعات مهم اجتماعی، راهکارها و برنامه‌ها و افراد صاحب‌نظر و متخصص در این محبوب‌ترین اپلیکیشن مورد استفاده ایرانی‌ها جایی ندارند، شبکه اجتماعی‌ای که از قضا زنان بخش بزرگی از کاربران آن را تشکیل می‌دهند. چرا در تبریک‌های روز دختر و پسر از مشکلات موجود برای این دوقشر صحبت نمی‌شود؟ آیا هدیه دادن همه زندگی در کلمات توانسته است کمبودها، معضلات و آسیب‌های نوظهور جامعه ایرانی را در ۲ دهه اخیر پر کند؟ آیا در روز دختر و پسر، خانواده‌ها برنامه‌ای برای گفت‌وگو داشته‌اند؟

مادرهایی که بخش زیادی از وقت خود را در فضای مجازی می‌گذرانند چه قدر فرصت دارند از کارشناسان حقیقی برای درک فرزندان‌شان بهره‌مند شوند؟ چرا دنیایی که ما را با گفتن «عزیزم» و «جانم» مجازی به هم نزدیک کرده بیشترین صدمه را به نهاد خانواده وارد کرده است؟ اگرچه تصاویر و عکس‌های دوره‌می‌هایمان در مقابل چشمان صدها یا شاید هزاران نفر همیشه دست‌به‌دست می‌شود.

اکنون شاید بد نباشد بعد از گذشتن از روز پسر و دختر، کمی با خودمان خلوت کنیم و مشکلات دختر و پسرهای خانواده‌مان را بنویسیم. آیا حاضرید آن را در برابر چشم دیگران منتشر کنید یا به این صرافت افتاده‌اید که برای حل آن پی‌چاره واقعی باشید و با کارشناسی در دنیای حقیقی آن را مطرح کنید؟ شاید این روزها همگی ما به عمل قلب باز نیاز داریم تا هدایا و واژه‌های مجازی را از خودمان دور کنیم.

اگر اهل فضای مجازی یا مثل ما ناچار به خواندن پیوسته آن باشید، روزانه توی موج‌های بی‌شمار آن فرو می‌روید، غوطه‌ور می‌شوید، هوایی می‌خورید و گاهی نفس کشیدن‌تان بند می‌آید. این روزها اینستاگرام یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در ایران است و استوری گذاشتن جزو پرکاربردترین علاقه‌مندی‌هایی است که کاربران از آن استفاده می‌کنند. برای اثبات این مسئله، نیازی به ارائه ارقام و آمار نیست. کافی است یک روز به حجم انتشار روزمرگی‌های اطرافیان‌تان دقت کنید. اینکه خیلی‌ها دوست دارند بخش‌های جذاب یا به‌ظاهر جالب زندگی‌شان را برای دیگران تعریف کنند یک گوشه ماجراست اما اینکه سرگرمی‌هایی همه‌گیر یک‌باره ظهور و بروز می‌یابند، خود، قصه مفصلی است. همین چند روز پیش، در کسری از ثانیه، تصویر پسر بچه‌هایی که شیطن‌ت از سر و رویشان می‌بارید دست‌به‌دست شد. یکی نوشته بود: می‌گویند روز جهانی پسر است. این هم برادرزاده عزیزجان! ۲ ساعت نشده یک خط در میان می‌شد تصاویر ماچ و بوسه را روی گونه‌های پسر بچه‌ها و پیام‌هایی که می‌خواستند دنیا را یکجا به آن‌ها هدیه دهند مشاهده کرد. همین مسئله با آمدن روز دختر تکرار شد و اما فقط عکس‌ها تغییر کرد و دنیا به دخترها هدیه شد.

شما روزانه لایک، گل و «عزیزم»‌های بسیاری را از اطرافیان‌تان تحویل می‌گیرید، کسانی که ممکن است رابطه و مراوده‌ای هم با آن‌ها نداشته باشید اما این مسئله شبیه یک فرهنگ یا شاید پیش‌نویس برنامه در فضای مجازی روز‌به‌روز پررنگ‌تر می‌شود. بی‌شک، شبکه‌های اجتماعی، عصر ارتباطات و ایجاد تحول در زندگی



دکتر محدثه جزایی
دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

(فروغ)

زنان و وعده‌های انتخابات ریاست‌جمهوری

بیش از چند روز تا برگزاری مهم‌ترین رویداد سیاسی کشور باقی نمانده و در تلاش نامزدهای ریاست‌جمهوری، برنامه‌های مختلف و متنوعی درباره زنان مطرح شده است. در مناظره‌های انتخاباتی، یکی از پرمناقشه‌ترین حوزه‌هایی که همه نامزدها درباره آن هم‌نظرند افزایش سهم و نقش زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. برنامه‌های متنوع از بیمه و حقوق برای زنان خانه‌دار گرفته تا به کارگیری زنان در سمت‌های سیاسی و پست‌های مدیریتی مهم، تنها بخشی از این طرح‌هایی است که تاکنون مطرح شده است. اما به راستی تا چه اندازه می‌توان به تحقق این طرح‌ها امید داشت؟ آیا مشارکت سیاسی زنان وابسته به ارائه چنین برنامه‌ها و طرح‌هایی است؟

در هر دوره‌ای از انتخابات، بحث از مطالبه‌های زنان بسیار جدی مطرح می‌شود. طرح‌ها و ایده‌هایی که در آن قرار است گام‌های بلندی در جهت توانمندی و افزایش مشارکت سیاسی زنان برداشته شود. در این رابطه باید به ۲ نکته اشاره کرد.

اول اینکه حتی اگر این وعده‌های پیش‌انتخاباتی محقق نشود، طرح چنین برنامه‌هایی، خود، می‌تواند یک فعالیت مثبت تلقی شود زیرا به مطالبه‌های زنان ساخت و جهت می‌دهد. برای نمونه، اگر طرح بیمه زنان خانه‌دار با موانع مالی و حقوقی برای تصویب و اجرا روبه‌رو شود، باز هم می‌تواند چنین مطالبه‌ای را برای زنان خانه‌دار به وجود آورد که شرایط تحقق آن ممکن است در آینده فراهم‌آید و در مجموع، به نفع جامعه زنان است. نکته دوم این است که طرح این برنامه‌ها به ایجاد احساس مسئولیت‌پذیری برای مشارکت سیاسی در جامعه زنان می‌رسد. هنگامی که زنان در یابند نتیجه انتخابات به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم شرایط زیست عادی و روزمره آن‌ها را از خود متأثر می‌سازد، انگیزه بیشتری برای شرکت در انتخابات پیدا می‌کنند. برای نمونه، طرح افزایش مرخصی‌های زنان به طور مستقیم زندگی زنان شاغل را از خود متأثر می‌کند.

اما در کنار این مزایای مثبت، نباید از ابعاد دیگر موضوع غافل شد. اول آنکه چنانچه در مدت طولانی فقط وعده‌های غیرواقعی و تحقق‌ناپذیر از سوی نامزدهای ریاست‌جمهوری ارائه شود، ممکن است اعتماد عمومی جامعه به مسند ریاست‌جمهوری کاهش یابد. در نتیجه، برنامه‌هایی که تحقق آن‌ها وعده داده می‌شود چندان جدی گرفته نشود. برای نمونه، چنانچه تصویب قانونی در ارتباط با مسائل قضایی و زنان زندانی از سوی نامزدها ارائه شود، پر واضح است که بدون جلب نظر قوه قضائیه، تحقق آن امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر، جامعه زنان تنها به موضوع‌های اختصاصی و انحصاری به مسئله زنان نمی‌اندیشد. برخی مسائل به‌ویژه در حوزه اقتصاد که اثر مستقیم بر معیشت مردم می‌گذارد، قدرت اثرگذاری بیشتری بر مشارکت سیاسی جامعه دارد.

باید این نکته را یادآوری کرد که هدف زنان از حضور در انتخابات، بیش از آنکه منفعت طلبانه و برای تحقق مطالبات‌شان باشد، بیشتر در جهت تحقق اهداف و ارزش‌های ایرانی و اسلامی است، و زنان همواره از زاویه دیدی گسترده‌تر به مسئله انتخابات نگریند. همه زنانی که در هر دوره‌ای از برگزاری انتخابات به صورت حداکثری در آن شرکت می‌کنند، بدون توجه محدود و انحصاری به شعارها و برنامه‌های معطوف به زنان به این مسئله سیاسی مهم توجه می‌کنند. نه تنها زنان جامعه بلکه زنانی که به عنوان مدیران و صاحب‌منصبان سیاسی به خدمت در نظام سیاسی پرداخته‌اند، به نسبت تجربه اندک از حضور در عرصه سیاسی، کارنامه قابل قبولی دارند و تلاش خود را به انجام وظایف خود در راستای اهداف کلان ملی و نه تنها پیگیری امور مربوط به حوزه زنان معطوف کرده‌اند. اما نکته‌ای که باقی می‌ماند این است که نباید این نگاه وسیع و گسترده جامعه زنان سبب شود نیازها و خواست‌های منطقی جامعه نادیده گرفته شود یا در تب و تاب ناشی از هیجانات انتخاباتی، آرمان‌ها و اصول اولیه اجتماعی در رابطه با زنان نادیده گرفته شود. نامزدهای بالاترین منصب اجرایی کشور نباید در دادن وعده‌هایی که زمان تحقق آن و شرایط امکانی آن‌ها چندان شفاف و روشن نیست، تنها برای جلب آرای بیشتر، راه افراط ببیمایند. چنانکه گفته شد می‌تواند مثبت باشد و به جهت‌دهی به مطالبات زنان و افزایش مشارکت اجتماعی منجر شود. از سوی دیگر، ممکن است نتیجه نامطلوبی داشته باشد و به از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی جامعه زنان به سیاست بینجامد.